



نگاه شیعه به حجیت قرآن و پاسخ به شبهات قفاری

محمد باغچینی *

مجید حیدری **

چکیده

ناصر بن عبدالله قفاری از جمله وهابیانی است که با تالیف کتب متعددی مانند کتاب "اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه"، افتراءات فراوانی را به مبانی تشیع وارد کرده است. او در این کتاب و در ذیل بحث، از دیدگاه شیعیان در مورد حجیت قرآن چند ادعا مطرح می‌کند که نگارنده در مقاله پیش‌رو به نقد و بررسی دو ادعای او می‌پردازد. اول اینکه شیعیان، حجیت قرآن را مشروط بر وجود قیّم و کلام ائمه خود می‌دانند؛ چنان‌که روایت «ان القرآن لایکون حجه الا بقیّم»، بر این مسئله دلالت می‌کند. ثانیاً شیعیان، معرفت قرآن را مختص به ائمه خود دانسته و جایگاهی ویژه برای علمیت آنان قائل هستند؛ چنان‌که روایات فراوانی در تجلیل مقام علمی امامان خود نقل کرده‌اند. درباره ادعای اول قفاری باید گفت: تمامی پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، معتقد به حجیت ذاتی و استقلالی قرآن کریم هستند؛ لذا مراد از «أَنَّ الْقُرْآنَ لَا یَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِیَمٍ»، این است که اهل بیت (علیهم‌السلام)، بعد از حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، عهده‌دار تبیین و تشریح معارف قرآنی هستند؛ چراکه در قرآن موارد فراوانی وجود دارد که تبیین و تشریح آنها برای عموم مردم ضرورت دارد. در مورد ادعای دوم قفاری نیز باید گفت، مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام)، (در تمامی مسائل علمی از جمله در تفسیر قرآن)، از مسائلی است که فریقین به آن اذعان داشته و شواهد فراوانی بر آن در کتب خود اقامه نموده‌اند. **کلیدواژه‌ها:** حجیت قرآن، اهل بیت (علیهم‌السلام)، شیعه، قفاری، اصول مذهب شیعه.

* دانش‌پژوه دوره چهارم موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل‌البیت (علیهم‌السلام).

moha43150@gmail.com

** پژوهش‌گر موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل‌البیت (علیهم‌السلام)؛ ۰۹۳۶۳۶۹۰۵۴۵

مقدمه

در طول تاریخ، بسیاری از علمای فِرَق و مذاهب اسلامی، به جهت اثبات حقانیت خود و رد مخالفین خودشان، مباحثی را مطرح نموده‌اند که این مطالب، گاه به‌حق، و در مدار انصاف بوده است. گاهی نیز از دایره انصاف و اصول اسلامی خارج و موجب آن شده که اشخاص در جهت محکوم کردن مخالفین خود، افتراءاتی را به آنان وارد آورند. یکی از جریاناتی که از گذشته تاکنون در احتجاج با مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، از مدار حق و انصاف خارج شده و افتراءات متعددی را به تشیع زده، وهابیت است. در این جریان نیز، یکی از مهم‌ترین افرادی که محتوای کتاب‌هایش، معمولاً مملو از ادعاهای نادرست، علیه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است، ناصر بن عبدالله قفاری می‌باشد که چند کتاب در رد مبانی شیعه نگاشته است. کتاب اصول مذهب الشیعه الاثنی عشریه یکی از مهم‌ترین کتاب‌های او در این راستا محسوب می‌شود. او در این کتاب، ادعاهای فراوانی را در خصوص مبانی شیعیان مطرح می‌کند و برای اثبات این ادعاها، به احادیثی از کتب محدثین شیعه و همچنین، عبارات برخی از پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، استناد می‌کند.

این اشکالات ممکن است روی افکار عده‌ای که آشنایی کمی نسبت به معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارند، تأثیرات مخربی گذاشته و دید آنان را نسبت به این مکتب نورانی، سیاه و تار کند؛ لذا ضرورت اقتضا می‌کند که اندیشمندان وارد عمل شده و به شبهات و تردیدهای موجود پاسخ دهند؛ بنابراین هدف اصلی نویسنده در نگارش این مقاله، علاوه بر پاسخ دادن به برخی از شبهات قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه، پاسداری از مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

قفاری در بحث حجیت قرآن از دیدگاه شیعیان، چند اشکال مطرح می‌کند؛ از جمله آنکه، او با استناد به روایت «أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِيَمٍ» مدعی می‌شود، پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، حجیت قرآن را مشروط به وجود قیم می‌دانند. ادعای دیگری که قفاری در این بحث مطرح می‌کند آن است که شیعیان معتقدند: تنها اهل بیت علیهم‌السلام هستند که معرفت به قرآن دارند و روایات فراوانی در این زمینه در کتب محدثین شیعه نقل

شده است.

نگارنده در این مقاله، به نقد و بررسی این دو ادعای قفاری می‌پردازد و تصریح می‌کند که اولاً، شیعیان معتقد به حجیت ذاتی و استقلالی قرآن هستند و معنای عبارت «أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقَيِّمٍ»، این است که قرآن به دلیل آنکه ذوالوجه است، در موارد فراوانی، صرفاً کلیات را بیان کرده است؛ لذا برای اینکه منحرفین از آیات آن، استفاده به مطلوب نکنند، نیاز به مُبَيِّن دارد. ثانیاً، پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) معتقدند: همگان توانایی درک ظاهر قرآن را دارند؛ ولیکن باطن قرآن و مسائلی که به صورت اجمالی در قرآن بیان شده و همچنین مطالبی که به صورت کلی در قرآن ذکر شده را صرفاً اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌توانند درک کنند؛ چراکه ادله فراوانی از جمله حدیث شریف ثقلین بر این امر دلالت دارد. ثالثاً، اعلیت اهل بیت (علیهم‌السلام) بر دیگر مسلمین، مسئله‌ای نیست که صرفاً شیعیان به آن معتقد باشند؛ بلکه بسیاری از صحابه، تابعین و علمای اهل سنت به آن معتقد بوده و به این مسئله در موارد متعددی تصریح کرده‌اند.

بنابراین ادعای اول قفاری، ادعایی باطل بوده و در مورد دومین ادعای قفاری نیز باید گفت: علاوه بر پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، اهل سنت نیز به اعلیت ائمه معتقد هستند. دلایل متعددی در رد کتاب اصول مذهب الشیعه قفاری، از سوی اندیشمندان شیعی نگاشته شده است؛ مانند کتاب توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت، نوشته دکتر احمد عابدی؛ نقد کتاب اصول مذهب الشیعه، نوشته دکتر سید محمد حسینی قزوینی؛ نقد دیدگاه ناصر القفاری در مسئله رویت خداوند، نوشته آقایان رضا برنج‌کار و ابراهیم توکلی مقدم؛^۱ بررسی و نقد منهج قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه، نوشته آقایان ابوالفضل قاسمی و فتح‌الله نجارزادگان^۲ که هر کدام از این کتب و مقالات، به بررسی بخشی از کتاب قفاری اختصاص یافته‌اند؛ با این وجود، در تمامی این ردیه‌ها، موضوع حجیت قرآن در نگاه شیعه و اشکالاتی که قفاری در ذیل این بحث مطرح می‌کند، بی‌پاسخ مانده

۱. دو فصل نامه علمی - تخصصی سلفی پژوهی، شماره ۱.

۲. همان، شماره ۲.

است؛ لذا موضوع این مقاله را می‌توان موضوعی جدید و بکر تلقی نمود. نویسنده ابتدا دو ادعای قفاری را تبیین نموده و سپس به صورت تفصیلی به بررسی آن دو دیدگاه می‌پردازد.

کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، رساله دکترای ناصر بن عبدالله بن علی قفاری^۱ است که بعد از ارائه به دانشگاه محمد بن سعود شهر ریاض عربستان، به آن توجه بسیاری شد. به گونه‌ای که جزو دروس دانشگاهی قرار گرفت و به صورت بسیار وسیعی چاپ و سپس در فضای مجازی منتشر شد.^۲

قفاری در این کتاب، صرفاً به نقد مکتب تشیع در حوزه مسائل اعتقادی نپرداخته؛ بلکه در حوزه مسائل فقهی، تاریخی، حدیثی و... نیز اشکالاتی به مبانی تشیع وارد کرده است که این امر، یکی از وجوه تمایز کتاب اصول مذهب الشیعه با بسیاری از کتب هم-سوی آن به حساب می‌آید.^۳

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و پنج باب است. مولف در هر باب، عقاید شیعه در حوزه‌های گوناگون را مورد نقد قرار داده و اشکالات فراوانی را به مبانی مکتب اهل-بیت (علیهم‌السلام) وارد کرده است. اشکالاتی که در واقع، تهمتی بیش نبوده و با اندک تحقیق و تفحصی، نادرستی این اشکالات به وضوح نمایان می‌شود.

یکی از این ادعاهای بی‌اساس، موضع قفاری در مورد حجیت قرآن در نزد پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) است که در بخش بعد به آن اشاره می‌شود.

۱. «دکتر ناصر بن عبدالله قفاری از اساتید وهابی دانشگاه محمد بن سعود ریاض است که می‌توان گفت، وی بیشتر عمر، وقت و همت خود را صرف مطالعه درباره شیعه با رویکرد انتقادی و تلاش در جهت اثبات کفر شیعیان و اینکه آنان دینی غیر از اسلام دارند نموده است. وی هر چه تدریس نموده و یا به نگارش درآورده است، معمولاً در خصوص همین موضوع است.» (عابدی، احمد، توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت، ص ۲۱)؛ (برنج‌کار، رضا، «نقد دیدگاه ناصر القفاری در مسئله رویت خداوند»، دو فصل نامه علمی تخصصی سلفی پژوهی، شماره ۱، ص ۶۵).

۲. حسینی قزوینی، سید محمد، نقد کتاب اصول مذهب الشیعه، ج ۱، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۲۵.

ادعاهای قفاری مبنی بر حجیت قرآن در نزد شیعیان

قفاری در ذیل بحث حجیت قرآن در نگاه شیعیان، چندین ادعا مطرح می‌کند. از آنجایی که در این مجال، بررسی تمامی این ادعاها ممکن نیست، لذا در این تحقیق، دو مورد از آنها نقد و بررسی خواهد شد.

ادعای اول قفاری

قفاری در اولین ادعایش در این بخش، مدعی می‌شود که پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، حجیت قرآن را مشروط به داشتن قَیم (مراد از قَیم، امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) است)، می‌دانند. او در راستای اثبات این مدعا به روایت «ان القرآن لا یكون حجه الا بقیم»، استناد نموده است. وی برای اینکه نشان دهد، روایت مذکور صحیح است، مدعی می‌شود که این روایت، در اصول کافی ذکر شده و جایگاه اصول کافی در نزد شیعیان، همانند جایگاه صحیح بخاری در نزد اهل سنت است.^۱

قبل از بررسی این ادعای قفاری، تبیین این نکته نیز ضروری است که مراد از حجیت قرآن کریم آن است که این کتاب آسمانی، از هر جهت برای همه قابل درک و فهم است و در مقام استنباط و استناد، می‌توان به آن تکیه نمود و آن را مورد عمل و دلیل و مبنا قرار داد.^۲

نقد و بررسی

به ادعای اول قفاری، اشکالات فراوانی وارد است که به برخی اشاره می‌کنیم. این اشکالات عبارت‌اند از:

اولاً: پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، به هیچ کتابی جز قرآن کریم، تعصب ندارند و از دیدگاه آنان، تنها کتابی که ۱۰۰ درصد آن صحیح و بی‌اشکال است، قرآن کریم می‌باشد که در آن هیچ دروغ و خطایی وجود ندارد؛^۳ همچنین، عموم علمای شیعه تاکنون، چنین

۱. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. خویی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۳۲۸؛ نقیبی، فاطمه، «بررسی ادله جامعیت و جاودانگی قرآن کریم در نهج البلاغه»، فصل‌نامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۱۹، ص ۲۲.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۴۸۳.

ادعایی نکرده‌اند که تمام روایات کتاب کافی، صحیح‌السند و قطعاً صادره از معصومین علیهم‌السلام است؛ زیرا هرچند مرحوم کلینی مقام ارجمندی داشته و از برترین محدثین تاریخ شیعه به حساب می‌آید، ولیکن معصوم از خطا و اشتباه نبوده است. نداشتن ویژگی عصمت باعث شده است که تعدادی از روایات کتاب شریف اصول کافی از نظر سندی، صحیح نباشد.^۱

افزون بر آن، مرحوم کلینی نیز ادعا ندارد، تمامی روایاتی را که در کافی جمع کرده، صحیح است؛ اما در مقابل، اهل سنت معتقدند که صحیح بخاری بعد از قرآن کریم اصح کتب بوده و احادیث موجود در این کتاب را تلقی به قبول کرده‌اند؛^۲ تا جایی که نووی، ادعای اجماع بر صحت صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم)، می‌کند.^۳ بنابراین هنگامی که روایتی در کتب روایی شیعیان نقل شده باشد، روش علمای شیعه بر این بوده است که هم سند روایت و هم محتوای آن روایت را بررسی می‌کنند؛ لذا علاوه بر سند روایت، محتوای آن نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چنان‌که برخی برای صحت مضمون روایات، چهار شرط را لحاظ کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. مضمون خبر، مطابق عقل باشد.

۲. مضمون خبر، مطابق نص کتاب باشد.

۳. مضمون خبر، مطابق با سنت قطعی که متواتر است، باشد.

۴. مضمون خبر، موافق با اجماع باشد.^۴

پس صرف نقل روایت در اصول کافی دلیل نمی‌شود که قفاری به آن تمسک کند. ثانیاً: قفاری در این ادعایش افتراء بزرگی به پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام وارد کرده است؛ چراکه شیعیان معتقد به حجیت قرآن بوده و هستند؛ چنان‌که محقق خویی از علمای صاحب نظر امامیه معتقد است: ظاهر و باطن قرآن حجیت و مدرکیت دارد.

<https://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=5209>

۲. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۹.

۴. شیخ طوسی، محمد، عدة الاصول، ج ۱، ص ۱۴۳.

می‌توان در موارد مختلف به آن تکیه کرد و آن را مستقلاً مورد عمل قرار داد و در گفتار و نظریات و استدلال‌ات خویش به آن تمسک جست. ^۱ حجیت قرآن در نزد پیروان اهل-بیت علیهم‌السلام به‌گونه‌ای اهمیت دارد که علامه طباطبایی تصریح می‌کند: اگر حجیت قرآن باطل شود، نبوت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم باطل شده و معارف دینی لغو و بی‌اثر می‌شود. ^۲ افزون بر آن، فقهای شیعه، قرآن را به‌عنوان یکی از ادله اربعه استنباط احکام شرعی به‌حساب می‌آورند؛ ^۳ حتی آن را در میان ادله اربعه، به‌عنوان مهم‌ترین دلیل معرفی می‌کنند ^۴ که این نیز موید دیگری بر حجیت قرآن در نزد پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. علمای شیعه، علاوه بر تصریح به حجیت قرآن، ادله‌ای برای آن ذکر می‌کنند که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. قرآن کریم به‌صورت حجتی بر رسالت نازل شده است و حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم نسبت به آن تحدی نموده و از منکران دعوت کردند تا نظیر آن را بیاورند. این به آن معنا است که مردم عرب زبان، معانی قرآن را می‌فهمیدند؛ چراکه اگر الفاظ قرآن معماگونه بود، دعوت به معارضه درست نبود؛ بنابراین همگان معانی ظاهری قرآن را می‌توانند دریابند.

۲. روایات متواتره در تمسک به تقلین (کتاب و عترت)، وارد شده است ^۵ و مراد از تمسک به کتاب، فراگرفتن آن و عمل بر طبق مفاد آن است. هنگامی که در این روایات شریفه، مردم امر به فراگرفتن قرآن و عمل بر طبق مفاد آن می‌شوند، معلوم می‌شود که قرآن برای مردم حجیت دارد؛ به دیگر سخن، اگر قرآن حجیت نداشت و قابل درک نبود، در روایت تقلین امر به تمسک به آن نمی‌شدیم.

۱. خویی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۳۲۸.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶۵.

۳. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ذهنی، سید محمد جواد، المباحث الصولیه، ج ۱، ص ۶.

۴. طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، ص ۸۳؛ حسینی‌خواه، سید جواد، تقریرات بحث شیخ جواد فاضل لنکرانی، ج ۱، ص ۳۲.

۵. لازم به‌ذکر است که طبق مبانی شیعه، قرآن ثقل اکبر و عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، ثقل اصغر محسوب می‌شوند. در این‌باره مؤیدات فراوانی وجود دارد؛ نظیر خطبه ۸۷ نهج البلاغه که امیرالمومنین علی علیه‌السلام، در این خطبه، قرآن را ثقل اکبر و عترت را ثقل اصغر معرفی می‌کند.

۳. همچنین روایات متواتر دیگری نیز وجود دارد که حاکی از عرضه اخبار بر قرآن است؛ به این معنا که روایاتی که مخالف قرآن هستند را باید کنار بگذاریم.^۱ این روایات نیز صریح در حجیت قرآن و ظواهر آن هستند.

۴. استدلالات اهل بیت علیهم السلام در مورد بعضی احکام شرعیه و غیر آن به آیات قرآنی نیز، دلیل دیگری بر حجیت قرآن است.^۲

البته با مقداری تأمل می‌توان دلایل دیگری را نیز برای حجیت قرآن اقامه نمود؛ نظیر:
۱. از آنجایی که همه مسلمین، قرآن را وحی الهی می‌دانند و هیچ‌کسی حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آن دخل و تصرفی نکرده است،^۳ می‌توان به مصونیت آن از خطا، تحریف و انحراف، پی برد. این مصونیت دلیل محکمی است که احتجاج به قرآن صحیح بوده و می‌توان آن را حجت دانست.

۲. همچنین واضح و روشن است قرآن کریم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده تا مردم در آیات آن تدبر و اندیشه نموده^۴ و به دستوراتش عمل کنند. این امر دلالت می‌کند که ظواهر آن حجت است؛ چراکه امر به تدبر در آیات قرآن و عمل به دستورات آن در صورتی که ظواهر قرآن حجت نباشد صحیح نخواهد بود و هنگامی که حجیت ظواهر قرآن اثبات شود، می‌توان ادعا کرد، قرآن کریم کتابی است که برای همه مردم حجت است.

۳. از دیگر ادله حجیت قرآن، جامعیت^۵ و جاودانگی^۱ آن است. هنگامی که کتابی

۱. «نظیر روایت نبوی "خَطَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَنْى فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَفِّقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ وَ مَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ»؛ (کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹).

۲. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ج ۱، ص ۲۲۸؛ خویی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۳۲۸؛ خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۹۱۵.

۳. «ادله فراوانی بر این امر دلالت می‌کنند نظیر آیه ۴۲ سوره فصلت: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»؛ هیچ‌گونه باطلی از پیش رو و از پشت سر در آن راه ندارد، (این قرآن) از طرف خداوند فرزانه و ستوده نازل شده است؛ همچنین آیه ۸۲ سوره نساء که می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند».

۴. «آیه ۲۹ سوره ص که می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند».

۵. به‌گونه‌ای که طبق تصریح خداوند: «لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»؛ هیچ تر و خشکی نیست، مگر اینکه در قرآن

دارای چنین ویژگی‌ای باشد، برای مردم حجت خواهد بود؛ البته ممکن است، برخی با استناد به کلام اخباریون شیعه ادعا کنند، پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) قرآن و ظواهر آن را حجت نمی‌دانند. در پاسخ باید گفت: برخی از علمای خبره در علوم قرآنی (نظیر آیت‌الله معرفت)، معتقدند: این ادعا که اخباریون، حجیت قرآن را انکار کرده‌اند صحیح نیست؛ چراکه اثری از انکار حجیت ظواهر قرآن، در مبانی فقهی و استدلالی اخباریون به چشم نمی‌خورد؛^۲ همچنین بر فرض آنکه اخباریون حجیت ظواهر قرآن را انکار کرده باشند، این مسئله را باید پذیرفت که اخباریون، عده قلیلی از جمعیت شیعیان را تشکیل می‌دهند و نمی‌توان ادعای عده قلیلی از یک مذهب را به تمام آن مذهب، تعمیم داد و ادعا کرد که این مذهب، معتقد به این اعتقاد می‌باشد. گذشته از آن، بسیاری از علمای شیعه در کتب خود، نظریه عدم حجیت قرآن و ظواهر آن را با ادله محکم و متقن نقد نموده و از آن تبزّی جسته‌اند؛^۳ لذا نمی‌توان عدم حجیت ظواهر قرآن را، اعتقاد مورد قبول همه پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) دانست.

ثالثاً: حال که معلوم شد شیعیان، قرآن و ظواهر آن را حجت می‌دانند، باید گفت که پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، معتقد به حجیت ذاتی و استقلال قرآن هستند و تصریح می‌کنند که حجیت قرآن، وابسته به هیچ چیز نیست؛ چنان‌که مفسرین شیعه، تصریح می‌کنند: حجیت قرآن مستقل بوده و در اصل حجیت، نیازی به غیر ندارد؛^۴ در واقع، حجیت آن، از مبدا دیگری تأمین نشده است.^۵ بنابراین حجیت قرآن، بی‌نیاز از سنت است؛^۶ چراکه اگر حجیت ظواهر قرآن کریم وابسته به روایات باشد، مستلزم دور (توقف

→ کریم وجود دارد.

۱. آیات فراوانی بر جاودانگی قرآن دلالت دارد؛ نظیر آیاتی که قرآن را کتابی برای همه مردم معرفی می‌کند: مثل: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ».

۲. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۸۹.

۳. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۳۹؛ خمینی، سید روح الله، معتمدالاصول، ج ۱، ص ۴۴۹.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵. همان، ص ۷۸.

۶. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۴۳.

شیء بر خودش) خواهد بود؛^۱ به این معنا که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقدند: حجیت اقوال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را باید از قرآن استخراج نمود.^۲ افزون بر آن، روایات معصومین علیهم السلام، علاوه بر اینکه در اصل حجیت وابسته به قرآن هستند، در تایید محتوا نیز وابسته به این کتاب آسمانی هستند؛ چنان که روایات فراوانی در این باره در مصادر شیعیان یافت می شود؛ نظیر روایت امام صادق علیه السلام که فرمودند: «مَا لَمْ يُوَافَقْ مِنْ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرَفٌ»؛^۳ هر حدیثی از ما به شما رسید که کتاب خدا آن را تصدیق نکرد، باطل است.

به دیگر سخن، روایات از سه بُعد، ظنی و غیر قطعی هستند و آن سه بعد عبارت اند از: الف: سند و اصل صدور؛ زیرا خبر متواتر و یا خبر واحد محفوف به قرائن قطع آور بسیار نادر است.

ب: جهت صدور؛ از آن جهت که احتمال تقیه در روایات وجود دارد.

ج: دلالت؛ زیرا پشتوانه دلالت آن بر محتوا، اصول عقلائییه همانند اصالت عموم، اصالت عدم تقیید، اصالت عدم تخصیص، اصالت عدم قرینه و مانند آن است. حال آنکه قرآن کریم پایگاه قطعی و اطمینان بخش دین است؛^۴ بنابراین، پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقد به حجیت ذاتی قرآن هستند و حجیت آن را به هیچ چیزی وابسته نمی دانند.

حال ضرورت دارد در معنا و محتوای حدیثی که قفاری در جهت عدم حجیت قرآن در نزد پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به آن استناد می کند^۵ (بر فرض اینکه از لحاظ سندی مشکلی نداشته و صحیح محسوب شود)، تامل بیشتری نمود، تا معلوم شود، محتوای آن با مبانی و احادیث دیگر شیعه در تعارض نمی باشد.

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۷۸؛ طباطبائی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۴۳.

۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۰.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۷۸.

۵. إن القرآن لا یكون حجة الا بقیم.

به باور نگارنده، عبارت «ان القرآن لا يكون حجة الا بقيم»، در مقام کاستن اهمیت قرآن نیست؛ بلکه با توجه به مطلبی که در متن این روایت وجود دارد، می‌توان گفت: این روایت در واقع، در مقام بیان این مطلب است که نباید بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، صرفاً با رجوع به قرآن، مسائل مورد نظر خود را اثبات نمود؛ به دلیل آنکه مرجئه، قدریه، زنادقه و حتی کسانی که به قرآن عقیده ندارند، گاهی برای اثبات مدعای خود به قرآن استناد می‌کنند؛^۱ پس معلوم می‌شود که در موارد اختلافی، گروه‌های مختلف برای اثبات حقانیت خود، هر کدام به قرآن استناد می‌کنند؛ لذا معیار صحیح موجود، در مواردی که محل بحث و اختلاف است، رجوع به امیرالمومنین علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است؛ چنان‌که شارحین اصول کافی در ذیل این حدیث، تصریح کرده‌اند که مراد از "قیم" در اینجا، کسی است که به کل قرآن (ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ، مجمل و موول، محکم و متشابه)، علم دارد. سخن چنین قیمی برای تمامی مردم حجت است و باید از او متابعت نمود؛ پس طبق این روایت، امیرالمومنین علی علیه السلام که پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله اعلم امت هستند، قیم قرآن نیز محسوب می‌شود؛ به این معنا که حضرت امیر علیه السلام به تمامی وجوه و احکام قرآن علم دارند؛^۲ بنابراین مراد از عبارت «أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِيَمٍ»، این نیست که قرآن حجت نمی‌باشد؛ بلکه این عبارت، می‌خواهد تبیین کند که معیار ما در مسائل اختلافی، باید رجوع به امیرالمومنین علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام باشد؛ چراکه قرآن ذوالوجه است و هر کسی می‌تواند از آن به نفع مقاصد خود استفاده نماید؛ چنان‌که امیرالمومنین علی علیه السلام در جنگ با خوارج به ابن عباس فرمودند: با خوارج به وسیله قرآن محاجه نکن؛ زیرا قرآن قابلیت معانی متعددی دارد؛^۳ پس از اینکه مراد از قیم بودن اهل بیت علیهم السلام برای قرآن واضح شد، در ادامه ضمن بررسی ادعای دوم قفاری، اعلامیت اهل-

۱. «فَنَظَرْتُ فِي الْقُرْآنِ فَإِذَا هُوَ يُخَاصِمُ بِهِ الْمُزَجِّجُ وَالْقَدَرِيُّ وَالزَّنْدِيقِيُّ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِهِ حَتَّى يَغْلِبَ الرِّجَالُ بِخُصُومَتِهِ فَعَرَفْتُ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِيَمٍ»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۹).

۲. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۹۶؛ مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه وآله، ج ۲، ص ۲۶۴.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۱۵.

بیت علیه السلام، مخصوصاً در تفسیر قرآن کریم نیز تبیین خواهد شد.

ادعای دوم قفاری

دومین ادعایی که قفاری در بحث حجیت قرآن مطرح می‌کند این است که شیعیان معتقدند: معرفت قرآن مخصوص اهل بیت علیهم السلام بوده و هیچ‌کسی در این مسئله با آنها شراکت ندارد. او سپس در پاسخ به این ادعای پیروان اهل بیت علیهم السلام می‌گوید: معرفت قرآن مختص به حضرت علی علیه السلام نبوده و همه صحابه که در طلیعه اول اسلام زندگی می‌کردند، معرفت به قرآن داشته‌اند. قفاری در ادامه به برخی از روایات مصادر شیعه که بیان‌کننده قدرت علمی ائمه علیهم السلام در تفسیر قرآن است، اشاره می‌کند.^۱

نقد و بررسی

در پاسخ به ادعای دوم قفاری نیز باید گفت که علمای فریقین معتقدند: قرآن کریم علاوه بر ظاهر، باطنی ژرف دارد.^۲ فهم ظاهر قرآن برای تمام مردم میسر است؛ لذا همه مردم می‌توانند ظواهر قرآن را درک نمایند؛ ولیکن تفسیر باطن قرآن، تبیین الفاظ نامأنوس آن و همچنین، شرح کلیاتی که در قرآن وجود دارد (نظیر آیات الاحکام که در موارد فراوانی، جزئیات و کیفیت اعمال آن مسکوت مانده است)،^۳ به تصریح قرآن کریم، وظیفه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛^۴ و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به‌سوی مردم نازل شده است، برای آنها روشن سازی، شاید اندیشه کنند.

حال سوال اساسی اینجاست که پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، اعلم امت در مسئله تبیین باطن قرآن کریم و شرح کلیات آن، چه کسانی هستند؟ از منظر تمامی شیعیان و بسیاری از علمای اهل سنت، پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت و معصومین علیهم السلام،

۱. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۷۵؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹.

۳. مانند اینکه خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره بقره امر به اقامه نماز فرموده‌اند: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»؛ ولی اینکه هر نمازی باید به چه کیفیتی اقامه شود و دارای چند رکعت می‌باشد، ذکر نشده است.

۴. سوره نحل، آیه ۴۴.

اعلم امت در جهت تبیین معارف قرآنی هستند و تبیین باطن قرآن، مختص ایشان است.^۱ البته مسلماً قفاری و سایر سلفی مسلکان، به پیروی از ابن تیمیه، به اعلمیت صحابه و تابعین در حوزه مسائل تفسیری ملتزم هستند؛ چنان که ابن تیمیه به این دلیل که تابعین، مباحث تفسیری را از صحابه^۲ و صحابه نیز این علم را از حضرت رسول ﷺ، اخذ نموده‌اند،^۳ سعی در اثبات اعلمیت صحابه و تابعین در مسئله تفسیر قرآن دارد. او معتقد است که تفسیر قرآن را باید از چند طرق به دست آورد که عبارت‌اند از، قرآن کریم، (تفسیر قرآن به قرآن)، سنت، صحابه و تابعین؛^۴ بنابراین همان گونه که سلفیه معتقد به مرجعیت علمی صحابه و تابعین هستند، شیعیان نیز معتقدند که اهل بیت ﷺ، در تمامی علوم از جمله تفسیر قرآن کریم، اعلم امت به حساب می‌آیند؛ چنان که ادله فراوانی بر این امر دلالت دارد که به برخی از این ادله اشاره می‌شود.

الف. حدیث ثقلین: این حدیث مشهور که با الفاظ گوناگون در بسیاری از کتب فریقین نقل شده است، دلیلی غیر قابل انکار در جهت اعلمیت اهل بیت ﷺ محسوب می‌شود؛ چنان که بسیاری از بزرگان اهل سنت نظیر طبرانی و هیثمی، این حدیث را این گونه نقل می‌کنند و می‌گویند: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: ... فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ؟ «فَنَادَى مُنَادٍ: وَمَا الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «كِتَابُ اللَّهِ طَرَفٌ يَبِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَطَرَفٌ بَأْيَدِيكُمْ فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ لَا تَضِلُّوا، وَالْآخَرُ عِزَّتِي، وَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ تَبَّأَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، وَسَأَلْتُ ذَلِكَ لُهُمَا رَبِّي، فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تَقْصُرُوا عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تَعْلَمُوهُمَ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»؛^۵ عبارت «فانهم اعلم منكم»، صراحت در اعلمیت اهل بیت ﷺ بر همه امت اسلامی دارد؛ البته برخی دیگر از محدثین، این حدیث را با الفاظ دیگری نقل نموده‌اند و عبارت «فانهم اعلم منكم» را ذکر نکرده‌اند؛ البته نقل

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۳، ص ۳۳۲.

۳. همان، ص ۳۳۱.

۴. همان، ص ۳۶۸.

۵. طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۶۶؛ هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۶۳.

۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۴۷۹.

روایت به این صورت نیز دلالت بر اعلیت اهل بیت علیهم السلام می‌کند؛ چراکه اولاً در این حدیث، حضرت رسول صلی الله علیه و آله، عترت خود را هم‌سنگ قرآن معرفی نموده است؛ لذا کلام اهل بیت علیهم السلام که از طرق صحیح و محتوای مناسب به ما برسد، همانند قرآن حجیت دارد. صحه گذاشتن حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر گفتار اهل بیت علیهم السلام نشان از اعلیت ایشان دارد.

ثانیاً: در بسیاری از نقل‌ها این قید آمده که اگر مسلمین به قرآن و عترت تمسک کنند، گمراه نخواهند شد.^۱ این نیز موید دیگری بر اعلیت ایشان است؛ چراکه نشان-دهنده نجات‌بخش بودن کلام قرآن و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؛ چنان‌که معلوم است، نجات‌بخش بودن کلام، یکی از آثار اعلیت می‌باشد.

ناگفته نماند این حدیث، شامل تمامی اهل بیت علیهم السلام می‌شود؛ البته احادیث و عبارات دیگری نیز وجود دارد که در مدح هر یک از اهل بیت علیهم السلام، به‌صورت جداگانه وارد شده است.

ب. حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» نیز از احادیثی است که علاوه بر شیعیان،^۲ بسیاری از اهل سنت نیز آن را نقل نموده‌اند؛^۳ تا جایی که حاکم نیشابوری در رابطه با این حدیث می‌نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يُعْرَجْ أَهْلُ»؛^۴ این حدیث صحیح‌الاسناد است؛ هرچند مسلم و بخاری آن را روایت نکرده‌اند.

همان‌طور که واضح است، این روایت نیز صراحت در مقام علمی حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام دارد؛ چنان‌که شبیه آن برای هیچ‌یک از صحابه، یافت نمی‌شود.

ج. دکتر محمد حسین ذهبی از مفسرین و علمای الازهر مصر، در مورد امیرالمومنین علی علیه السلام می‌نویسد: «فكان أعلم الصحابة بمواقع التنزيل ومعرفة التأويل، وقد روى عن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۴۷۹.

۲. ابن‌بابویه قمی، محمد بن علی، أمالی شیخ صدوق، ص ۳۴۵؛ ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۳۰؛ شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۲۳.

۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۶۵؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۲۳.

۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۷.

ابن عباس آنه قال: ما أخذت من تفسير القرآن فعن علي بن أبي طالب؛^۱ اعلم صحابه به جایگاه تنزیل و معرفت تاویل قرآن، حضرت علی علیه السلام بوده است. از ابن عباس روایت شده است که گفت: تمام تفسیر قرآن را از حضرت علی علیه السلام، فرا گرفته است.

د. به اذعان فریقین، امیرالمومنین علی علیه السلام، همان شخصی است که ادعای سلونی را از خود به یادگار گذاشته است.^۲ تاکنون هیچ کس به جز ایشان، چنین ادعایی نکرده است؛^۳ همان طور که واضح است، این ادعا صرفاً از کسی صادر شدنی است که به تمامی ابواب علمی احاطه کامل داشته باشد؛ بنابراین ادعای سلونی، دلالت بر احاطه علمی حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام دارد. بیان این نکته نیز ضرورت دارد که علمای فریقین به این مسئله اذعان کرده اند که بعد از این ادعا، سوالات فراوانی از حضرت پرسیده شد و ایشان به تمامی سوالات، پاسخ های دقیق و صحیح داده اند.^۴

ه. ذهبی به نقل از زهری، در وصف امام چهارم شیعیان، حضرت سجاد علیه السلام نقل می کند: «و ما رأیت أحدا کان أفقه منه»؛^۵ احدی را فقیه تر از او ندیدم.

و. امام باقر علیه السلام نیز یکی دیگر از ائمه شیعیان است که در کتب اهل سنت، به اعلمیت ایشان اشاره شده است؛ چنان که در منابع تاریخی، ایشان را باقر العلوم نامیده اند؛^۶ همچنین ابن عساکر در مدح ایشان نوشته است: «ما رایت العلماء عند احد اصغر علما منهم عند ابی جعفر، لقد رایت الحکم^۷ عنده کانه متعلم»؛^۱ علما را فقط در نزد ابی-

۱. ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۶۷.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۰۳؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۰.

۳. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۵۰؛ ابن اثیر جزیری، علی بن ابی الکرم، أسد الغابة، ج ۳، ص ۵۹۷.

۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۰۶.

۵. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹.

۶. همان، ص ۴۰۳.

۷. «مراد، حکم بن عتیبه است که از تابعین محسوب شده و جایگاه علمی ویژه ای در نزد علما و فقهای اهل سنت دارد؛ به گونه ای که ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء، در مدح مقام علمی و معنوی او مطالب فراوانی نقل نموده است؛ نظیر سخن عبده بن ابی لبابه که در وصف علمیت حکم این گونه می گوید: «فما بین لایتیها أفقه منه»؛ در بین مردان دولایه (مراد مدینه است)، فقیه تر از حکم بن عتیبه وجود ندارد»؛ (ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۰۸)؛ (رحمان ستایش،

جعفر (امام باقر علیه السلام) از جهت علمی صغیر دیدم. به گونه‌ای که حکم در نزد او مانند شاگرد بود.

ز: امام صادق علیه السلام نیز از جایگاهی بی‌نظیر در نزد فریقین برخوردار است؛ چنان‌که ابوحنیفه در جواب کسی که از او می‌پرسد: "مَنْ أَفْقَهُ مَنْ رَأَيْتَ؟" فقیه‌ترین شخصی که دیدی، چه کسی بوده است؟

این‌گونه پاسخ می‌دهد: «ما رأيت أحداً أفقه من جعفر بن محمد»؛^۲ فقیه‌تر از جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) ندیدم.

این روایات و عبارات، تنها بخش کوچکی از هزاران عبارت نقل شده در مدح مقام علمی اهل بیت علیهم السلام می‌باشند؛ بنابراین نه تنها شیعیان، بلکه بسیاری از علمای اهل سنت نیز با استناد به روایات و مستندات معتبر تاریخی به این مسئله اذعان دارند که اهل بیت علیهم السلام، اعلم و افقه امت بوده‌اند.

افزون بر آن، این نکته را نیز باید افزود، با وجود اینکه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقدند که اعلم امت در فهم معارف قرآنی اهل بیت علیهم السلام هستند؛ ولیکن در بسیاری از کتب تفسیری شیعه، عباراتی از مفسرین طراز اول جهان اسلام، نظیر ابن عباس و ابن مسعود به‌وفور به‌چشم می‌خورد. به دیگر سخن، مفسرین شیعه در آثار خود، علاوه بر استناد به کلام اهل بیت علیهم السلام، به کلام اشخاصی نظیر ابن عباس و ابن مسعود نیز استناد می‌کنند که با تتبع در تفاسیر شیعی، می‌توان به این ادعا دست یافت؛ بنابراین سخن قفاری مبنی بر اینکه شیعیان، علم به معرفت قرآن را مختص به اهل بیت علیهم السلام می‌دانند، سخنی ناصواب است؛ البته اشخاصی نظیر ابن عباس، بارها به این مسئله اذعان کرده‌اند که علم تفسیر را از امیرالمومنین علی علیه السلام فرا گرفته‌اند.^۳ در مسائل علمی که از سوی

محمدکاظم، «تحلیل روایات حکم بن عتیبه و انتسابش به زیدیه»، فصل‌نامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم، شماره ۳، ص ۱۸۰.

۱. ابن‌عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۲. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۵، ص ۷۹؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۵۷.

۳. ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۶۷.

امیرالمومنین علی علیه السلام برای ایشان تبیین می‌شد، به نظرات دیگران، مراجعه نمی‌کردند و به رای حضرت علی علیه السلام عمل می‌نمودند.^۱

بنابراین مسئله اعلیت اهل بیت علیهم السلام از جمله مسائل مورد اشتراک پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با بسیاری از علمای اهل سنت محسوب می‌شود.

نتیجه

قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه اشکالات متعددی را به مبانی شیعیان وارد می‌کند که در این مقاله، دو مورد از اشکالات وی مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد:

۱. پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، هیچ‌گاه حجیت قرآن را مشروط به اهل بیت علیهم السلام نکرده‌اند؛ بلکه معتقدند که قرآن کریم، فی نفسه حجیت دارد و اگر در فهم قرآن کریم، به اهل بیت علیهم السلام تکیه می‌کنند به این معناست که چون قرآن کریم قابلیت تفاسیر گوناگون را دارد و هر کسی می‌تواند بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی‌اش، برداشتی به نفع خود از آن داشته باشد، لذا با توجه به تأکید و توصیه کتاب و سنت، بر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، شیعیان برای فهم بهتر قرآن کریم و معارف ناب آن، به کلام امامان معصوم علیهم السلام رجوع نموده و تفسیر قرآن را از سخنان ایشان به دست می‌آورند.

۲. همچنین روشن شد که ادعای قفاری مبنی بر انحصار فهم قرآن به اهل بیت علیهم السلام توسط شیعیان، نادرست می‌باشد؛ چراکه به اعتقاد علمای فریقین، قرآن کریم علاوه بر ظاهر، باطنی ژرف دارد؛ لذا پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقدند که به گواه ادله فراوان، دستیابی به باطن و عمق قرآن پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به دست اهل بیت علیهم السلام ممکن خواهد بود.

۱. همان.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، **امالی شیخ صدوق**، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴. خمینی، روح الله، **معتمد الأصول**، تهران: موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵. برنج کار، رضا، «نقد دیدگاه ناصرالقاری در مسئله رویت خداوند»، **دو فصل نامه علمی تخصصی سلفی پژوهی**، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر تسنیم**، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسینی خواه، سیدجواد، **تقریرات بحث شیخ جواد فاضل لنکرانی**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۹. حسینی قزوینی، سید محمد، **نقد کتاب اصول مذهب الشیعه**، قم: موسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۱۰. خرمشاهی، بهاء الدین، **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**، تهران: انتشارات دوستان و انتشارات ناهید، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، **بیان در علوم و مسائل کلی قرآن**، مترجمان: محمد صادق نجمی و هاشم هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، **المباحث الأصولیه**، قم: مولف، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. رحمان ستایش، محمدکاظم، «تحلیل روایات حکم بن عتیبه و انتسابش به زیدیه»، **فصل نامه علمی پژوهشی کتاب قیم**، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمن، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. شیخ طوسی، محمد، **عدة الأصول**، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم: ستاره، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، تحقیق: موسسه آل - البيت (علیهم السلام)، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: محمد باقر موسوی، قم:

- انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، **شیعه در اسلام**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، **قرآن در اسلام**، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. عابدی، احمد، **توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت**، تهران: مشعر، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، محققین: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **ترجمه اصول کافي**، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه وآله**، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، **دائرة المعارف قرآن کریم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۵. مشکینی، علی، **اصطلاحات الأصول**، قم: الهادی (ع)، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. مظفر، محمد رضا، **أصول الفقه**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ش.
۲۷. معرفت، محمد هادی، **تفسیر و مفسران**، قم: انتشارات تمهید، چاپ هفتم، ۱۳۹۱ ش.
۲۸. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، **شرح اصول الكافي**، محقق: محمد خواجه‌ای، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. نقیبی، فاطمه، «بررسی ادله جامعیت و جاودانگی قرآن کریم در نهج البلاغه»، **فصل‌نامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)**، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۹.
۳۰. هیثمی، نورالدین، **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**، تحقیق: حسام‌الدین القدسی، قاهره: مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. ابن اثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم، **أسد الغابة**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. ابن تیمیه حرانی، احمد، **مجموع الفتاوی**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه منوره: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ ق.
۳۳. ابن عساکر، علی بن حسن، **تاریخ دمشق الكبير**، تحقیق: ابی‌عبدالله علی عاشور جنوبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۳۴. ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن ترمذی**، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحديث، چاپ

اول، ۱۴۱۹ق.

۳۵. حاکم حسکانی، عیبدالله بن عبدالله، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی، بی‌جا: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.

۳۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۳۷. ذهبی، محمد حسین، **التفسیر والمفسرون**، قاهره: مکتبه وهبه، بی‌تا.

۳۸. ذهبی، محمد بن احمد، **سیر أعلام النبلاء**، تحقیق: مجموعه‌ای از محققین با اشراف شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.

۳۹. طبرانی، سلیمان، **المعجم الکبیر**، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن- تیمیه، چاپ دوم، بی‌تا.

۴۰. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

۴۱. قفاری، ناصر، **اصول مذهب الشیعہ الإمامیه الإثنی عشریه**، الجزیره: دارالرضا، چاپ چهارم، ۱۴۳۱ق.

۴۲. متقی هندی، علی بن حسام، **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**، تحقیق: بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.

۴۳. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، **تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.

۴۴. نیشابوری، مسلم، **صحیح مسلم بشرح النووی**، مصر: الازهر، چاپ اول، ۱۳۴۷ق.

45. <http://alwahabiyah.com>

46. <http://www.abp-zikra.com>

47. <http://www.abp-zikra.com>